

## بررسی معیار تشخیص قرائت صحیح قرآن و حجیت آن\*

حسین علوی مهر\*\* و اکبر محمودی\*\*\*

### چکیده

قرآن کریم آخرین و کامل‌ترین کتاب الهی و آسمانی است که قرائت آن، توقیفی است و باید بر اساس آنچه بدان تکلیف شده‌ایم، قرائت شود. در طول تاریخ اسلام، قرائت‌های گوناگونی برای قرآن کریم صورت گرفته است که همه آنها از حجیت برخوردار نیستند. معیارهای متعددی نیز از سوی دانشمندان علوم قرآنی از جمله شهرت و اتفاق منطقه‌ای، مطابقت با رسم الخط، هماهنگی با قواعد ادبی برای تشخیص قرائت صحیح از دیگر قرائات ذکر شده است که برخی از آنها پشتوانه علمی مقبولی ندارند؛ زیرا معیار قابل پذیرش برای تشخیص قرائت صحیح، شهرت و قرائت جمهور مسلمانان است. از میان همه قرائت‌های ذکر شده برای قرآن کریم هفت یا ده قرائت برگزیده شده است که هیچ یک از این قرائت‌ها دارای تواتر تا خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست و از میان آنها، تنها یک قرائت دارای حجیت است و آن قرائت مشهور میان مسلمانان است که روایت حفص از عاصم، مصداق کامل آن است و دلایل کسانی که قرائت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه را تجویز می‌نمایند، نیز ناتمام است، از این‌رو، اولویت با خواندن قرائت مطابق روایت حفص از عاصم است. از طرفی هیچ دانشمندی در حجیت و اعتبار روایت حفص از عاصم، اختلاف و ممانعت ندارد. به همین دلیل، معتبرترین و آسان‌ترین قرائت، همان روایت حفص از عاصم است که در صورت شک نیز - طبق قاعده اشتغال - این قرائت است که ذمه شخص مکلف را بری می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** قرآن، قرائت، حجیت قرائت، روایت حفص از عاصم، قرائت هفت‌گانه، قراء سبعه.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۵/۱۰.

\*\* دانشیار جامعه المصطفی العالمیه و هیئت علمی پاره‌وقت مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی: halavimehr5@gmail.com

\*\*\* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و دکترای آشنایی با منابع اسلامی از دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسؤول): mahmoodiakbar24@gmail.com

## بیان مسأله

یکی از ابعاد رجوع به قرآن کریم و تمسک به آن، قرائت آن است. از سوی دیگر، در نمازهای واجب، باید چندین بار، سوره حمد و سوره‌های دیگری از قرآن کریم قرائت شود. همچنین بر شخصی که نذر کرده قرآن کریم را قرائت کند، واجب است که این کتاب مقدس را طبق قرائت صحیح تلاوت نماید. دیگر اینکه معنای برخی از آیات با اختلاف قرائت آنها عوض می‌شود. همه این مسائل، اهمیت و ضرورت بحث از قرائت‌های قرآن کریم، حجیت آنها و معیار تشخیص قرائت صحیح را روشن می‌سازد.

پرسش‌های مهم در این عرصه آن است که آیا آن گونه که در زمان کنونی قرآن کریم خوانده می‌شود، همان گونه است که در زمان فرو فرستاده شدن آن رایج بوده است؟ در قرائت برخی از آیات قرآن کریم اختلافاتی وجود دارد. آیا همه این قرائت‌ها حجیت و اعتبار دارند یا اینکه چند یا یکی از آنها دارای حجیت و اعتبار است؟ در صورت حجیت و اعتبار نداشتن همه قرائات، آیا ملاک و معیاری برای تشخیص قرائت درست از نادرست وجود دارد؟ در صورت وجود ملاک و معیار برای تشخیص قرائت صحیح از ناصحیح، آن ملاک و معیار کدام است؟

فرضیه اصلی این نوشتار در ملاک و معیار درست برای تشخیص قرائت صحیح از ناصحیح، مطابقت قرائت با قرائت جمهور مسلمانان است.

## پیشینه

در قرائت قرآن کریم، روش قرائت، قرائات وارده، قرائات معتبر و دیگر امور مربوط به قرائت قرآن کریم، آثار فراوانی به رشته تحریر در آمده است. از جمله مقاله «ارزیابی ادله دیدگاه رواج تاریخی قرائت عاصم به روایت حفص» به قلم حامد شریفی نسبت، سید محمد باقر حجتی و امید قربانخانی است که در شماره ۲۰ مجله علمی - پژوهشی «مطالعات قرآن و حدیث» منتشر شده است. همچنین مقاله «بررسی اختلاف طرق در روایت حفص»، از سوی قاسم بستانی به نگارش در آمده و در شماره پنجم مجله «مطالعات قرائت قرآن» چاپ شده است مقاله دیگر «بررسی و تحلیل سندی روایت قرآنی حفص از عاصم» از همین نویسنده است که در شماره ششم مجله «مطالعات قرائت قرآن» منتشر شده است. ولی تاکنون هیچ اثر مستقل و منسجمی در مورد معیار تشخیص قرائت صحیح قرآن کریم و همچنین اولویت در حجیت قرائات قرآن کریم انتشار نیافته است.

اهمیت بحث قرائت در برخی از امور دینی - از جمله نماز و قرائت واجب توسط نذر - و عدم نگارش هیچ اثری مستقل در این زمینه، اهمیت و ضرورت نگارش این نوشتار را دو چندان می‌کند.

### معناشناسی قرائت

واژه «قرائت» از ریشه «قرء» است که در اصل، به معنای «جمع کردن» و نیز به معنای «خواندن»، «تلاوت کردن» و ... آمده است (فراهیدی، ترتیب کتاب العین، ۱۴۱۴: ۳/ ۱۴۵۳؛ فیومی، المصباح، ۱۴۰۵: ۱۹۱؛ رازی، ترتیب مقاییس اللغه، ۱۳۸۷: ۸۱۶؛ جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷: ۱/ ۶۵).

اما «قرائت» در اصطلاح، به گونه‌ای از تلاوت قرآن کریم اطلاق می‌شود که دارای ویژگی‌های خاصی است؛ بدین معنا که هر گاه تلاوت قرآن کریم به گونه‌ای باشد که از نص وحی الهی حکایت کند و بر حسب نقل یکی از قاریان معروف - بر پایه و اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده است - استوار باشد، قرائت قرآن تحقق یافته است. البته قرآن کریم دارای نص واحدی است و اختلاف میان قاریان بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نص واحد است (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۱۸۲).

به عبارت دیگر، مقصود از قرائت عبارت است از طریقی‌ها و روایات قرآنی که با اسناد به ثبوت رسیده است تا عمل به آن لازم باشد، وگرنه هر طریقی که در تلاوت و قرائت قرآن کریم به کار رود، بدون اینکه اسناد، نقل و روایتی برای آن وجود داشته باشد، نمی‌توان معنای اصطلاحی قرائت برای آن به کار برد. همه علمای اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت در این مسئله اتفاق نظر دارند؛ بنابراین، روایت، نقل و اسناد از اجزاء معتبر در تعریف قرائت است، اعم از اینکه روایت، متواتر، مشهور، آحاد، شاذ یا موضوع باشد (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۱۳۷۷: ۲۵۰).

### تعداد قرائت‌های قرآن کریم

طبقات قاریان (قراء)، بزرگان صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همانند ابو عبد الرحمن عبدالله بن مسعود هذلی (۳۷ ق)، ابی بن کعب خزرجی (۲۹ ق)، ابو الدرداء عویمر بن مالک أنصاری (۳۲ ق) و زید بن ثابت أنصاری (۴۵ ق) در طبقه اول و ابو العباس عبدالله بن عباس (۳-۶۸ ق)، ابو الأسود دوئلی (۶۹ ق)، ابو شبل علقمة بن قیس نخعی (۶۰ ق)، عبد الله بن سائب مخزومی، ابو عمرو أسود بن یزید نخعی (۷۵ ق)، ابو عبد الرحمن محمد بن حسین سلمی

نیشابوری (۳۲۵-۴۱۲ ق) و مسروق بن أجدع همدانی کوفی (۶۰ ق) در طبقه دوم و بزرگانی دیگر در طبقات سوم تا هشتم را شامل می‌شوند. پس از این طبقات از قاریان، عهد تدوین قرائت آغاز شد و به دنبال آن، قاریان هفت‌گانه تعیین گردید (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۱۸۱). در میان قاریان مختلف، برخی از آنان به سبب اجتهادهای شخصی، دارای قرائتی شدند که در برخی موارد، با دیگر قرائت‌ها اختلاف دارند.

سلسله قاریان و قرائت، قرن به قرن، پیوسته ادامه داشت تا اینکه در اوایل قرن چهارم قمری، أبو بکر أحمد بن موسی بن عباس (ابن مجاهد) (۲۴۵-۳۲۴ ق) شیخ قاریان بغداد، قرائت‌ها را در هفت قرائت از هفت قاری مشهور، به رسمیت شناخت. بعدها در دوره‌های مختلف، هفت قاری دیگر اضافه شدند و بدین ترتیب، در مجموع، چهارده قرائت معروف شد. به دلیل آنکه هر کدام از این قرائت‌ها به وسیله دو راوی روایت شده است، مجموع قرائت متداول به ۲۸ روایت می‌رسد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۲۰۴-۲۱۵). البته قرائت‌های شاذ نیز وجود دارد که در میان آنان متداول نیست.

قرائت قرآن کریم میان قاریان در مواردی اختلافی بود و تعداد قاریان در طول سالیان متمادی، افزایش می‌یافت، تا اینکه ابن مجاهد از میان همه آنها، هفت قرائت را برگزید که هر کدام دو راوی دارند (تمیمی، السبعه، ۱۹۷۲: ۱ / ۳۹۱).

### عوامل اختلاف قرائت‌های قرآن کریم

اختلاف قرائت به دوران پیامبر اکرم ﷺ باز می‌گردد و پس از رحلت ایشان این اختلافات بنا بر اسباب متعددی تشدید می‌شود. در آن زمان، بسیاری از صحابه، دارای مصحف بودند و بر سر جمع، نظم و تألیف قرآن کریم اختلاف نظر داشتند. همین امر سبب شد که بر سر قرائت قرآن کریم، میان قاریان اختلاف‌هایی پیدا شود و هر گروه، قرائت خویش را بر دیگران ترجیح دهد.

این اختلاف‌ها موجب شد تا در عهد خلیفه سوم، عثمان بن عفان (۳۵ ق) مصحف واحدی تهیه شود و از روی آن، نسخه‌های متعدد و یگانه‌ای از نظر شکل تهیه گردیده و به مراکز مهم کشورهای اسلامی فرستاده شود. البته اختلاف‌هایی میان این نسخه‌ها که می‌باید به طور کامل یکی باشند، یافت شد که بعدها، مایه برخی از اختلاف‌ها در قرائت‌ها شد.

این همه کوششی که برای یک‌سان سازی مصاحف به کار رفته بود، به طور تقریبی، هدر رفته به نظر می‌آید و دامنه این اختلاف‌ها روز به روز گسترده‌تر شد. تا دیروز، اختلاف بر سر

قرائت صحابه بود و امروز پس از یکسان سازی مصاحف، اختلاف بر سر خود مصحف‌هاست. البته خلیفه سوم این نارسایی را در همان وهله اول در مصحفی که به دست او دادند، مشاهده کرد و اعتراض نمود که چرا می‌باید این گونه نارسایی‌ها در این مصحف وجود داشته باشد؟! (معرفت، التمهید، ۱۴۱۲: ۲/ ۸۴).

عوامل اختلاف قرائت حتی پس از یکسان شدن مصحف‌ها بسیار است که مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

۱- ابتدایی بودن خط در نزد عرب در زمان نزول قرآن کریم؛

۲- بی‌نقطه بودن حروف معجمه (نقطه‌دار) و جدا نساختن آنها از حروف مهمله (بی‌نقطه)؛

۳- خالی بودن کلمات از نشانه‌ها و حرکت‌ها؛

۴- نبودن الف در کلمات؛

۵- تفاوت لهجه‌ها؛

۶- تبعیت از رسم الخط یا قرائت مشهور هر یک از بلاد.

### تدوین قرائت‌های معروف

مسلمانان صدر اسلام، قرآن کریم را به گونه‌ای که از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌شنیدند و فرا می‌گرفتند، قرائت می‌کردند. پس از صحابه، از تابعین و پیشوایان بزرگی که در شهرهای آنان به سر می‌بردند، قرآن کریم را می‌آموختند. برجستگی این گونه افراد، در یک زمینه خاص مانند قرائت قرآن کریم نبود، بلکه اینان به طور عام، از علمای آن دوره شناخته می‌شدند.

پس از گذشت آن دوره، گروهی از دانشمندان، فن قرائت و فرا گرفتن و آموختن آن را رشته اختصاصی خود قرار دادند و به این رشته، توجهی خاص نشان دادند و در قرائت قرآن کریم و آموزش آن، شهرت یافتند تا اینکه در مقام امامت فن قرائت قرار گرفتند و پیشوایی مردم را در این زمینه بر عهده گرفتند و مردم از مناطق گوناگون به سوی آنان شتافتند و قرائت قرآن کریم را از آنان آموختند (فضلی، تاریخ قرائات، ۱۳۷۸: ۲۸).

روش همه مسلمانان در منطقه‌های گوناگون بر این بود که مردم هر شهری، قرآن کریم را از قاری همان شهر فرا می‌گرفتند و تنها قرائت او را می‌پذیرفتند و چون اینان تصدی امر قرائت را بر عهده داشتند، قرائت به آنان نسبت داده می‌شود.

کم کم، تعداد قاریان رو به فزونی نهاد و قاریان در منطقه‌های گوناگون جهان اسلام پراکنده شدند و طبقه‌ای پس از طبقه دیگر به جانشینی آنان نایل آمدند. ولی اینان در

فراگرفتن و آموختن قرآن کریم و قرائت، اختلاف نشان دادند. برخی از آنان در تلاوت قرآن کریم، استوار و به رعایت روایت و درایت شهرت داشتند و برخی در این موارد، کوتاهی داشتند. به تدریج، ضبط قرائت‌ها رو به کاستی و سستی نهاد و زیاده‌روی و کارهای بی‌رویه رو به افزایش گذاشت و به تعبیر ابو عبد الله محمد بن محمد ابن جزری دمشقی (۶۵۸ - ۷۳۹ ق)، بیم آن می‌رفت که باطل در لباس حق جلوه کند (دمشقی، النشر فی القرائات، بی‌تا: ۹/۱)؛ به همین دلیل، علمای برگزیده امت و بزرگان به پا خواستند و تمام کوشش خود را در تحقیق و تشخیص قرائت درست از نادرست و مشهور از نامشهور به کار گرفتند و اصول و قواعدی برای قرائت وضع کردند. در اثر این کوشش‌ها، قرائت به عنوان فنی از فنون که دارای قواعد و اصولی محکم و استوار بود، در آمد. در چارچوب این اصول و قواعد، اجتهاد و گزینش نیز به کار گرفته شد.

طبق نظر برخی از جمله دکتر عبد الهادی فضلی (فضلی، تاریخ قرائات، ۱۳۷۸: ۴۰) نخستین نگارنده در حوزه قرائات، یحیی بن یعمر (۸۹-۹۰ ق) است. وی در آغاز، در شهر واسط، به دنبال شکل و نقطه‌گذاری و اعجام مصحف به دستور حجاج بن یوسف ثقفی (۹۵-۴۰ ق) بود و کتابی در قرائات تألیف نمود که روایات مربوط به اختلاف قرائت در میان مردم را در آن گرد آورد و مردم نیز تا زمان ابن مجاهد، به این کتاب مراجعه و عمل می‌کردند (محاربی و عاصمی، مقدمتان فی علوم القرآن، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

طبق دیدگاه برخی دیگر از جمله محمد بن ندیم (ندیم، ۱۴۱۵: ۳۰۸)، أحمد نجاشی (نجاشی، رجال النجاشی، ۱۴۱۳: ۱۰-۱۳) و محمد حسین کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، أصل الشیعه و أصولها، ۱۳۷۷: ۳۱۹) ابان بن تغلب کندی کوفی (۱۴۱ ق) از اصحاب امامان سجاد، باقر و صادق علیهم‌السلام نخستین مؤلف کتاب القرائات است.

برخی نیز از جمله آیت الله محمد هادی معرفت (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۲۲۴ - ۲۲۵) بر این باور هستند که اولین امام معتبری که به ضبط قرائت‌های صحیح و جمع‌آوری آن در کتابی مفصل و مبسوط همت گماشت، ابو عبید قاسم بن سلام انصاری (۲۲۴ ق) بود که شاگرد کسائی به شمار می‌آمد (سیوطی، الإیتقان، ۱۴۱۶: ۱/۱۹۱). ابن جزری می‌گوید: به طوری که من شماره کرده‌ام، وی قاریان را در ۲۵ تن منحصر کرده است و کسانی که بعدها به نام قاریان هفت‌گانه شهرت یافتند، در زمره اینان بودند (دمشقی، النشر فی القرائات، بی‌تا: ۹/۱).

ابن جزری (دمشقی، غایة النهایه، ۱۹۳۲: ۱/ ۳۲) بر این اعتقاد است که اولین شخصیتی که به تدوین در زمینه قرائت پرداخته أبو حاتم سهل بن محمد سجستانی (۲۵۵ ق) بود. پس از أبو عبید قاسم بن سلام انصاری، أبو جعفر أحمد بن جبیر کوفی انطاکی (۲۵۸ ق) کتابی در این زمینه تألیف کرد (سیوطی، الإیتقان، ۱۴۱۶: ۱/ ۱۹۱) و قرائت‌های پنج‌گانه را که هر یک از آنها به منطقه‌ای از جهان اسلام تعلق داشت در آن جمع نمود. سپس قاضی اسماعیل بن اسحاق مصاحب قالون (۲۸۲ ق) کتابی در قرائت نگارش نمود که در آن، قرائت‌های ۲۰ تن از امامان قرائت را جمع کرد. پس از وی نیز أبو جعفر محمد بن علی طبری (۲۲۳ تا ۲۲۴ - ۳۱۰ ق) کتابی با نام «الجامع» نگارش نمود که بیش از ۲۰ قرائت را در آن جمع کرد.

پس از گذشت زمانی کوتاه، أبو بکر محمد بن أحمد داجونی (۳۲۴ ق) کتابی در قرائت نوشت و أبو جعفر یزید بن قعقاع مخزومی مدنی (۱۳۰ ق) را که یکی از قاریان ده‌گانه است، به دیگر قاریان اضافه نمود. ابن مجاهد کار داجونی را دنبال کرد و برای نخستین بار کسی است که عدد قرائت‌ها را در هفت منحصر نمود.

پس از ابن مجاهد دیگران به پیروی از او و بر همان منوال به تألیفاتی دست زدند که أحمد بن نصر شذائی (۳۷۰ ق) و احمد بن حسین بن مهران (۳۸۱ ق) از آن جمله‌اند. در این زمان سه تن دیگر به قاریان هفت‌گانه اضافه شدند و اصطلاح «قاریان ده‌گانه» به وجود آمد. محمد بن جعفر خزاعی (۴۰۸ ق) نیز کتابی با نام «المنتهی» نگارش نمود. در این کتاب، مطالبی آمده که در کتاب‌های پیشین ذکر نشده است.

این قرائت‌ها در کشور اندلس و کشورهای مغرب تا اواخر قرن چهارم رواج نداشت تا اینکه راویان قرائت در کشور مصر به آن منطقه‌ها سفر کردند و قرائت‌ها را در آن کشورها رایج کردند. أبو عمر احمد بن محمد طلمنکی (۴۲۹ ق) نگارنده کتاب «الروضه»، اولین کسی است که این قرائت‌ها را در اندلس رایج نمود. پس از او أبو محمد مکی بن اَبی طالب قیسی (۴۰۷ ق) نگارنده کتاب «التبصره» و «الکشف عن وجوه القراءات السبع» و سپس أبو عمرو عثمان بن سعید اموی قرطبی دانی (۳۷۱ - ۴۴۴ ق) نگارنده کتاب «التیسیر» و کتاب «جامع البیان» به این کار دست زدند.

در دمشق، أبوعلی حسن بن علی أهوازی (۴۴۶ ق) کتاب‌هایی را در قرائت تألیف کرد. در همین روزها، أبوالقاسم یوسف بن علی هذلی (۴۶۵ ق) از مغرب به مشرق سفر کرد و از کشورهای گوناگون دیدن نمود و در این کشورها، روایات ائمه قرائت را مطرح ساخت. وی به

ماوراء النهر رسید و در غزنه و دیگر شهرها به کار قرائت پرداخت. آنگاه کتابی با نام «الکامل» نگارش کرد و در آن ۵۰ قرائت از ائمه معروف را گردآورد. در کتاب او، ۱۴۵۹ روایت آمده است. او می‌گوید: من با ۳۶۵ شیخ و استاد قرائت از آخر «مغرب» تا دروازه «فرغانه» ملاقات کردم.

پس از وی، أبو معشر عبد الکریم بن عبد الصمد طبری (۴۷۸ ق) کتاب «التلخیص» و کتاب «سوق العروس» را درباره قرائت‌های هشت‌گانه در مکه نگارش کرد که در آنها، ۱۵۵۰ روایت و طریق ذکر کرده است. سپس أبو القاسم عیسی بن عبد العزیز اسکندری (۶۲۹ ق) کتابی را با نام «الجامع الأكبر و البحر الأزخر» نگارش نمود و روایات و طریق‌های فراوانی در آن آورده است (دمشقی، النشر فی القرائات، بی‌تا: ۱/ ۳۶).

البته طبق آمار و بنا بر نظر درست، مجموعه روایات و طرق، حدود ۹۵۰ طریق است که به ۱۰ قاری و ۲۰ راوی باز می‌گردد.

### تواتر قرائت‌های هفت‌گانه

«تواتر» اصطلاحی در فن شناخت و درایت حدیث است. در این فن، حدیث به اقسام متواتر، مشهور، مستفیض و واحد تقسیم می‌شود. حدیث متواتر آن است که راویان آن، در تمامی طبقات در حدی از زیادی و گستردگی باشند که یقین حاصل شود که تبانی آنان بر ساختن آن حدیث و نقل آن به دروغ به طور عادت ممتنع باشد؛ از این رو، حدیث متواتر باید دارای شرایط زیر باشد:

یک - اتصال کامل سند حدیث از آخرین راوی تا منبع اولیه حدیث برقرار باشد.  
 دو - تعداد راویان و ناقلان حدیث در حدی باشد که از نظر زیادی، بیش از تعداد راویان حدیث مستفیض و مشهور به شمار آیند؛ به گونه‌ای که احتمال تبانی آنان بر دروغ داده نشود.  
 سه - زیادی راویان در هر دوره و طبقه تحقق یافته باشد؛ به این گونه که در هر زمانی، حدیث را گروهی از گروه قبل از خود نقل کرده باشند تا حدیث به منبع اولیه برسد (ر.ک: قمی، قوانین الأصول، بی‌تا: ۱/ ۶۲۱؛ سبحانی، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، ۱۴۱۸: ۳۱).

بر این اساس، اگر در یک طبقه تعداد راویان کم باشد و یا در یک مورد، به راوی واحد منتهی شود و دوباره تعداد راویان آن حدیث رو به زیادی و افزایش نهد، چنین حدیثی در اصطلاح، متواتر نیست و در زمره اخبار آحاد قرار می‌گیرد. فرضیه «تواتر قرائت‌ها» از همین



نوع است؛ زیرا نقل قرائت از خود قاریان، متواتر است، ولی نسبت به زمان پیش از آنان تا زمان صحابه و عهد پیامبر اکرم ﷺ فاقد شرط تواتر است و در دسته اخبار آحاد قرار می‌گیرند و این در صورتی است که برای قرائات سندی وجود داشته باشد، ولی تواتر قرائات با تواتر قرآن کریم دو چیز متفاوت است.

تمام مسلمانان با وجود اختلاف‌های زیاد فکری و عقیدتی، در این مطلب اتفاق نظر دارند که راه ثابت شدن قرآن کریم، منحصر به تواتر است و قرآن کریم، تنها از راه تواتر و نقل‌های فراوان و یقین‌آور ثابت شده است و راه دومی هم ندارد (خوئی، بیان، ۱۳۸۵: ۱۷۹)، ولی قرائت‌های مختلف، نقل قول‌های متفاوت قاریان و لهجه‌های مختلف مسلمانان است و گاهی نیز اجتهادهای شخصی برخی افراد می‌باشد.

برخی از دانشمندان و فقهای اهل سنت، بر این باورند که همه قرائت‌های هفت‌گانه به تواتر به خود پیامبر اکرم ﷺ می‌رسد و پیامبر اکرم ﷺ قرآن کریم را با این قرائت‌های هفت‌گانه خوانده است. آنان گمان می‌کنند که این قرائت‌ها به صورت جملگی متواتر هستند و حجیت شرعی دارند. برخی از علما این عقیده را معروف و مشهور دانسته‌اند. از علی بن عبد الکافی سبکی مصری (۶۸۳ - ۷۵۶ ق) نقل شده است که وی، همه قرائت‌های ده‌گانه را متواتر می‌داند (زرقانی، مناهل العرفان، بی‌تا: ۴۳۳).

برخی پا را از این فراتر نهاده و خیال کرده‌اند که هر کس، این قرائت‌های هفت‌گانه را متواتر نداند، کفر ورزیده و عقیده او، مخالف با دین اسلام است. این نظریه، به مفتی اندلس، أبو سعید فرج بن قاسم ثعلبی غرناطی نسبت داده شده است (زرقانی، مناهل العرفان، بی‌تا: ۴۲۸). عقیده معروف در میان شیعه، این است که قرآن کریم تنها بر یک قرائت نازل شده و پیامبر اعظم ﷺ تنها بر یک قرائت خوانده است و همه قرائت‌های مختلف به طور متواتر نقل نشده و انتساب آنها به پیامبر اکرم ﷺ قطعی نیست، بلکه قرائت‌ها، اجتهاد شخصی از سوی خود قاریان بوده است و پاره‌ای دیگر هم به صورت خبر واحد از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است. این نظریه را عده‌ای از محققان و دانشمندان اهل سنت نیز پذیرفته‌اند (خوئی، بیان، ۱۳۸۵: ۱۷۸-۱۷۹).

بسیاری از بزرگان و اهل علم و اجتهاد، تواتر قرائت‌های هفت‌گانه را انکار می‌کنند و آن را تصور شدنی نمی‌دانند؛ چرا که مقصود از تواتر قرائت‌های هفت‌گانه اگر نقل همگانی این قرائت‌ها از خود قاریان هفت‌گانه باشد، فاقد ارزش است؛ زیرا مبدأ تواتر باید مقام معصوم ﷺ باشد تا منقول حجیت پیدا کند و اگر مقصود، تواتر نقل از پیامبر اکرم ﷺ تا به این قاریان

باشد، این مسئله ثابت نشده است؛ زیرا بیشتر قاریان حتی سند قرائت ندارند تا چه رسد به تواتر. به علاوه، گزینش بیشتر قرائت‌ها از روی اجتهاد شخصی است و هرگز مستند به نقل و روایت نیست و اگر بر فرض، تواتر قاریان پذیرفته شود، این تواتر، اثری ندارد؛ زیرا تواتر برای کسی حجیت دارد که نسبت به خود او حاصل شده باشد نه دیگران. و اگر نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قاریان و از آنان به دیگران باشد، فاقد شرط تواتر است؛ زیرا اساسی‌ترین شرط تواتر، آن است که از مبدأ تا مقصد در تمامی طبقات نقل همگانی وجود داشته باشد و در این فرض، چنین نیست؛ زیرا در وسط به نقل از فرد واحد می‌رسد و از تواتر ساقط می‌گردد. بر فرض که هر یک از قرائت‌های هفت‌گانه، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا خود قاری متواتر است و سپس از وی به دیگران نقل شده است، لازمه این فرض، آن است که در دوران خود قاری، اشخاص دیگری نیز این قرائت را نقل کنند. در صوتی که چنین نیست و کسی جز خود قاری، قرائت را نقل نکرده است و تنها اوست که ناقل تواتر به دیگران است و این عمده‌ترین شرط تواتر را از دست داده است؛ زیرا در تمامی طبقه‌ها نقل همگانی وجود نداشته است (همان). بر این اساس، مسئله تواتر قرائت‌های هفت‌گانه، از اساس قابل تصور و معقول نیست؛ زیرا در زمان هر یک از قاریان هفت‌گانه، ناقل تواتر، تنها خود آن قاری بوده نه دیگران، و گرنه آن قرائت به او نسبت داده نمی‌شد و جنبه اختصاصی پیدا نمی‌کرد.

### سندهای قرائت‌های معروف

صاحبان کتاب‌های قرائات تلاش کردند تا سندهایی برای قرائت‌ها، به ویژه قاریان هفت‌گانه به دست آورند و قرائت آنان را مستند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمایند. در این راه، از مشایخ قاریان استفاده کرده، سلسله مشایخ را به عنوان سلسله اسناد قرائت‌ها جلوه داده‌اند، در حالی که سلسله مشایخ را نمی‌توان سلسله اسناد روایت گرفت؛ زیرا شاگردی که نزد استاد خود آموزش یافته است، تربیت شده اوست نه راوی از او. هر صاحب قرائت تربیت یافته، اختیار و نظر خود را در قرائت اظهار می‌دارد، نه نظر شیخ و استاد خویش را تا روایت یا نقل از وی بوده باشد. در حقیقت، هر صاحب قرائت، در انتخاب چگونگی قرائت اجتهاد می‌کند. به همین دلیل، او را باید صاحب اختیار دانست، نه راوی و ناقل قرائت مشایخ خود؛ از این رو، قرائت هر یک از قاریان به خود او نسبت داده می‌شود، همانند آرای فقهی فقها که هر نظریه فقهی به همان صاحب نظر انتساب دارد نه به شیخ او تا حالت نقل و روایت پیدا کند. به علاوه خود قاریان در بیشتر قرائت‌ها چنین ادعایی نکرده‌اند و در کتاب‌های قرائت‌ها، برای

اختیار هر صاحب قرائتی دلایل و براهینی اقامه نموده، آن را منشأ اختیار قرائت ویژه او شناخته‌اند. این می‌رساند که مستند قرائت هر قاری بزرگ، اجتهاد وی است نه روایت از استاد خویش؛ از این رو، سندهایی که در برخی از کتاب‌های قرائات مانند «التیسیر»، «التحییر» و «المکرر» آمده است، در حقیقت، سندهای تشریفاتی است که به جهت ترفیع شأن قاریان معروف استخراج شده است تا از سلسله مشایخ آنان به عنوان سلسله روایت استفاده نمایند. در واقع، شیخ و استاد، شاگردان خود را تربیت می‌کند تا خود صاحب نظر شوند، نه آنکه یافته‌های خود را به آنان تلقین نمایند و آنان بدون کم و کاست، آن را دریافت دارند و به دیگران انتقال دهند.

این تلاش، در مورد برخی از قاریان چندان ثمربخش نبوده و نتوانسته حتی سلسله مشایخ او را به دست آورد؛ برای نمونه، أبو عمران عبد الله بن عامر یحصبی دمشقی (۱۱۸۹ ق) که تابعی بوده و نزدیک‌ترین قاریان هفت‌گانه به دوران صحابه است، مشایخ او را نیافته‌اند تا سند روایتی برای قرائت وی ارائه دهند (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۱۹۴-۱۹۵).

### حجیت قرائت‌های هفت‌گانه

آیا همه قرائت‌های هفت‌گانه که از سوی ابن عامر دمشقی، ابن کثیر مکی، عاصم، أبو عمرو بصری، حمزة بن حبيب زيات، نافع مدنی و کسائی نقل شده است، حجیت و اعتبار دارند یا خیر؟ به سخن دیگر، آیا نمازگزارى که یکی از این قرائت‌ها را انتخاب کرده، بدان عمل کند آیا ذمه او بریء می‌شود یا خیر؟ همچنین در صورت نذر قرائت قرآن، خواندن قرآن به یکی از این قرائت‌ها، شامل وفای به نذر می‌گردد یا خیر؟ بنابراین، ثمره بحث، در این دو مسئله، به صورت دقیق روشن می‌گردد.

بیشتر فقهاء قائل به جواز قرائت به هر یک از این هفت قرائت شده‌اند. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در کتاب «العروة الوثقی» و سید ابوالحسن اصفهانی در کتاب «وسيلة النجاة» احتیاط را در آن دانسته‌اند که نمازگزار از قرائت‌های هفت‌گانه تجاوز نکند؛ گر چه فتوای آنان، جواز قرائت به هر قرائت صحیحی است، چه از قرائت‌های هفت‌گانه باشد و چه نباشد (طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ۱۴۲۵: آداب القراءة و أحكامها، مسئله ۵۰؛ اصفهانی، وسیلة النجاة، ۱۳۸۰: قراءات، مسئله ۱۴).

سید ابوالقاسم موسوی خوئی قرائت به قرائت‌های متداول عصر ائمه معصومین را جایز دانسته و حدیث «اقرأوا كما يقرأ الناس» را به قرائت‌های متداول آن زمان تفسیر کرده است (خوئی، منهاج الصالحین، ۱۴۲۹: ۱/ ۱۶۷).

مشهور میان فقهاء تخییر در انتخاب هر یک از قرائت‌های هفت‌گانه است. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ وَ لَكِنَّ الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ» (کلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۲/ ۶۳۰ ح ۱۲)، یعنی قرآن کریم یکی است که از جانب یکی فرو فرستاده شده است و اختلاف از سوی راویان به وجود آمده است.

فقهای اسلامی گفته‌اند که ائمه معصومین (علیهم السلام) رخصت داده‌اند که طبق هر یک از قرائت‌های مشهور قرائت شود و روایت «اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» (صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۹۳؛ کلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۲/ ۶۳۳ ح ۲۳) را دلیل بر ادعای خود گرفته‌اند. لازمه جمع میان دو حدیث ذکر شده، انحصار قرائت اصلی در میان همین قرائت‌های معروف است؛ بنابراین، برای راحت کردن مردم، آنان را ملزم به یک قرائت و شناخت آن نکرده‌اند، ولی احتیاط در آن است که طبق قرائت‌های هفت‌گانه قرائت شود و از آنها تجاوز نگردد.

امام خمینی (علیه السلام) نیز همین احتیاط را کرده است؛ زیرا احتمال می‌رود که حدیث «اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» ناظر به همین قرائت‌های هفت‌گانه باشد که در میان مردم شهرت یافته است (خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۵۲)، ولی سید محسن حکیم حدیث ذکر شده را ناظر به قرائت‌های هفت‌گانه نمی‌داند؛ زیرا پدیده حصر قرائت‌ها در هفت در اوایل سده چهارم به وقوع پیوسته است؛ یعنی دو قرن پس از صدور حدیث ذکر شده (حکیم، مستمسک العروه، ۱۴۱۱: ۶/ ۲۴۲ - ۲۴۵)؛ بنابراین، وی حدیث ذکر شده را به قرائت‌های معروف در عصر ائمه (علیهم السلام) ناظر می‌داند که بیش از قرائت‌های هفت‌گانه است. پس هر قرائتی که ثابت شود در عصر ائمه (علیهم السلام) شهرت مردمی داشته است، قرائت آن، جایز است.

همچنان که ملاحظه می‌شود، کلام همه فقهای یاد شده در مورد قرائت حمد و سوره در نماز است. البته این می‌تواند موضوعیت نداشته و شامل مسئله نذر هم شود.

قرآنی که از سوی خداوند بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرو فرستاده شده است، بیش از یکی نبوده و نیست و نخواهد بود و آن، همین قرآنی است که در دسترس مردم کنونی است. قرائت صحیح نیز همان است که مردم از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گرفته‌اند و آن، قرائت سینه به سینه و نسل به نسل، هیچ‌گونه ارتباطی با قرائت قاریان که مولود اجتهادهای شخصی آنان است، ندارد و نمی‌تواند داشته باشد؛ چرا که قرآن سینه به سینه، چیزی سواى اجتهاد در قرائت است.

بسیاری از دانشمندان مانند زرکشی (زرکشی، البرهان، ۱۴۰۸: ۱/ ۳۱۸) و آیت الله خوئی (خوئی، البیان، ۱۳۹۴: ۱۷۳) گفته‌اند: قرآن کریم و قرائت‌ها دو حقیقت متغایر هستند و آن، وحی الهی است که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرود آمده و این اختلاف قاریان بر سر شناخت آن

وحی است که بیشتر مبتنی بر اجتهادهای شخصی آنان است. به همین دلیل، حدیث «اقرأ كما یقرأ الناس» (صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۹۳؛ کلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۲/ ۶۳۳، ح ۲۳) ناظر به همان حقیقتی است که در دست مردم جریان دارد و آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ارث برده‌اند، نه آنچه بر زبان قاریان جاری است و مولود اجتهادهای آنان است و بر سر آن اختلاف دارند. بنابراین، آنچه معتبر حجت شرعی قرائتی است که در میان مردم شهرت دارد و جمهور آن را پذیرفته‌اند و از نسلی به نسل دیگر رسیده است و آن قرائت مسلمانان است. اینکه آن قرائت مشهور کدام است و بر کدام قرائت از قرائت‌های مشهور منطبق است، مورد اختلاف است، اگر چه در چند سده اخیر، قرائت مشهور میان مسلمانان، منطبق بر روایت حفص از قرائت عاصم بوده است.

به همین جهت، همه قرآن‌های مطبوع در چند قرن گذشته، مطابق روایت حفص است که همان قرائت مشهور میان مسلمانان می‌باشد؛ زیرا «حفص قرائت را از استاد خویش عاصم و وی از استاد خویش ابوعبدالرحمن سلمی و وی از امام علی علیه السلام گرفته است و به طور طبیعی، این قرائت، همان قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که تمامی مردم شاهد و ناقل آن بوده‌اند. در زمان گذشته، روایت حفص از عاصم، متن اصلی و قرائت‌های دیگر در حاشیه مصحف نوشته می‌شد. این خود دلیل بر برتری قرائت حفص از عاصم بوده است. به نظر می‌رسد تجویز فقهای اسلامی نسبت به قرائت قرآن با قرائت‌های مشهور، نوعی رخصت جهت برداشتن عسر و حرج از مؤمنان باشد و این مسئله، هیچ ربطی به تأیید تواتر این قرائت، توسط فقهای اسلامی ندارد. اگر چه حجیت فقهی آن را تأیید می‌نماید.

### رابطه حدیث سبعة أحرف با قرائت‌های هفت‌گانه

هیچ یک از علمای فن، میان حدیث «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَی سَبْعَةِ أَحْرَفٍ» (عیاشی، تفسیر العیاشی، بی تا: ۱/ ۱۲، ح ۱۱؛ صدوق، الخصال، ۱۳۶۲: ۲/ ۳۵۸، ح ۴۳) و قرائت‌های هفت‌گانه ارتباطی قائل نشده است، ولی برخی از عوام، مستند حجیت قرائت‌های هفت‌گانه را حدیث سبعة أحرف می‌دانند.

أبو شامه مقدسی (۵۹۹ - ۶۶۵ ق) گفته است: گروهی گمان کرده‌اند که منظور از «أحرف سبعة» که در حدیث آمده است، قرائت‌های هفت‌گانه است که هم‌اکنون رواج دارد، در حالی که این گمان، بر خلاف اجماع قاطبه اهل علم است و این گمان، تنها از ناحیه برخی جاهلان مطرح شده است (سیوطی، الإیتقان، ۱۴۱۶: ۱/ ۸۰).

ابن تیمیه حرانی (۶۴۱ - ۷۰۷ ق) می‌گوید: همه علمای دارای اعتبار و ارزش، اتفاق نظر دارند که منظور از حروف هفت‌گانه که پیامبر ﷺ گفته است، قرائت‌های هفت‌گانه معروف نیست. (دمشقی، النشر فی القرائات، بی‌تا: ۱ / ۳۹).

لازمه اینکه قائل به ارتباط میان حدیث «سبعة أحرف» و قرائت‌های هفت‌گانه شویم، این است برای هیچ یک از صحابه جایز نبوده است که قرآن کریم را قرائت کنند، مگر اینکه از پیش بدانند که قاریان هفت‌گانه بعدها به چه صورتی قرائت می‌کنند.

افزون بر آن، حرف‌های هفت‌گانه - که بر فرض، پیامبر اکرم ﷺ اجازه فرموده است که قرآن کریم، بر اساس آنها قرائت شود - همچنان پنهان و گمنام بوده است تا اینکه در زمان‌های بعد، قرائت‌های هفت‌گانه به صورت تدریجی پیدا شود و حروف هفت‌گانه مورد نظر پیامبر اکرم ﷺ که برای تمامی امت مجاز دانسته شده است، در انحصار این هفت تن در آید، در حالی که قاریان بسیار و بزرگ‌تر و بااطلاع‌تر از این هفت تن وجود داشته‌اند، ولی مشمول این حدیث نشده‌اند؛ یعنی پیامبر اکرم ﷺ تنها به ابن مجاهد (۲۴۵-۳۲۴ق) سفارش کرده باشد تا مصداق «أحرف سبعة» را تعیین کند و گذشتگان و آیندگان را از آن محروم سازد.

بهترین تفسیر برای «سبعة أحرف» - در صورت قبول حدیث سبعة أحرف - این است که دایره کل قرآن کریم به لحاظ لهجه از هفت لهجه تجاوز نمی‌کند؛ زیرا لهجه‌هایی که در جزیره العرب برتری و انتشار داشتند، به هفت لهجه عمده قریش، هذیل، ثقیف، هوازن، کنانه، تمیم و یمن باز می‌گردد و قرآن کریم در محدوده همین هفت لهجه، نازل شده است. البته این بدان معنا نیست که هر کلمه‌ای از قرآن کریم، به هفت لهجه خوانده می‌شود، بلکه به این معناست که مجموع کلمات استفاده شده در این کتاب مقدس، بر اساس این لهجه‌هاست و قرائت معتبر و صحیح نیز طبق همین هفت لهجه می‌باشد.

برخی از احادیث نیز احادیث «سبعة أحرف» را رد کرده‌اند. از جمله اینکه امام صادق (علیه السلام) در روایتی که از وی در مورد همین حدیث «سبعة أحرف» سؤال شد، وی فرمود: «كذبوا أعداء الله و لكنّه (قرآن) نزلَ على حَرفٍ واحدٍ من عند الواحد» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۳۰، ح ۱۳)؛ دشمنان خداوند دروغ گفتند و برعکس این نظر، قرآن بر یک حرف و از سوی یک شخص فرو فرستاده شده است؛ به همین دلیل تعداد زیادی از دانشمندان و صاحب‌نظران شیعه، روایت نزول قرآن کریم بر هفت حرف را قبول ندارند.

## معیارهای تشخیص قرائت صحیح

جهت تشخیص قرائت صحیح قرآن کریم، معیارهای فراوانی از سوی کارشناسان فن قرائت و علوم قرآنی ذکر شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

### ۱) معیار اتفاق منطقه‌ای و کارایی علمی

ابن مجاهد شیخ قاریان بغداد، دو شرط را برای تشخیص قرائت صحیح از ناصحیح ذکر کرده است (جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ۱۳۲۸: ۲۱۴)

یک - باید قاری از شخصیت‌هایی باشد که قرائت وی، از سوی مردم سرزمین و منطقه‌ای که او در آن به سر می‌برد، به اتفاق، مورد تأیید قرار گیرد.

دو - باید اجماع و اتفاق و تأیید مردم منطقه قاری درباره قرائت وی، مبتنی بر کارایی علمی ریشه‌دار و عمیق او در قرائت و لغت باشد.

### بررسی

در نقد این دو شرط چند نکته قابل بیان است:

یک - شاید مردم منطقه قاری بسیار اندک باشند و قرائت قاری با قرائت دیگر قاریان در اختلاف باشد و قرائت‌های دیگر از تواتر برخوردار باشند.

دو - ذکر چنین شرط‌هایی انسان را به قرائت واقعی نمی‌رساند؛ زیرا آن چیزی که موجب احراز قرائت واقعی و صحیح می‌شود، قرائت رایج در میان توده مسلمانان در سطح جهان اسلام است که همین، حکایت از تواتر قرائت تا خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد.

سه - در جایی که دو منطقه در همسایگی هم باشند و مردم هر منطقه‌ای با قرائتی متفاوت از قرائت منطقه همسایه قرآن را می‌خوانند، چه باید کرد؟! طبق نظر برگزیده، قرآن کریم بر اساس لغت حجاز نازل شده است و تنها این نوع از قرائت، اعتبار و حجیت دارد؛ به همین جهت، تلفظ به قرائتی غیر از این نوع قرائت، اعتبار و حجیت ندارد و نمی‌توان بدان قرآن را خواند؛ از این رو، چند اتفاق و اجماع در چند منطقه، حکایت از نادرست و نامعتبر بودن برخی از آنها دارد.

### ۲) معیار صحت سند و مطابقت با رسم الخط و هماهنگی با قواعد ادبی

ابن جزری برای تشخیص قرائت صحیح از ناصحیح، چندین شرط را ذکر کرده و تصریح نموده است که اگر قرائتی، یکی از این سه شرط را نداشته باشد، ناصحیح و در اصطلاح، شاذ است (ابن جزری، النشر فی القرائات، بی تا: ۹/ ۱). مهم‌ترین شرطها از این قرار است:

### یک - صحت سند قرائت مورد نظر

صحت سند قرائت یعنی قرائت باید شناخته شده، دارای سند صحیح تا یکی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد.

#### بررسی

در نقد این شرط باید گفت بیشتر سندهای قاریان، تشریفاتی است و برای تقویت بنیه قرائت‌ها ساخته و پرداخته شده‌اند. در حقیقت، شیوخ و اساتید قرائت را که هر یک از قاریان نزد آنان، شاگردی کرده بودند، به عنوان سند مطرح کرده‌اند.

### دو - مطابقت قرائت مورد نظر با رسم الخط مصحف

مقصود از هماهنگی با رسم الخط مصحف، موافقت با رسم الخط هر یک از مصحف‌های عثمانی است تا ملاک و معیار برای صحت قرائت قرار گیرد (دمشقی، النشر فی القرائات، بی تا: ۹ / ۱).

#### بررسی

در نقد این سخن باید گفت مصحف‌های هفت‌گانه عثمانی، خود دارای اختلاف‌های گوناگون هستند و موجب اختلاف در میان دانشمندان و مسلمانان گردیده‌اند. پس چگونه می‌تواند ملاک صحت و پذیرش قرائت باشند؟!

### سه - هماهنگی با قواعد ادبی

قرائت صحیح لازم نیست که با فصیح‌ترین قواعد عربی هماهنگی داشته باشد، بلکه هماهنگی با یکی از لغات عربی کافی است، اگر چه نامشهور باشد؛ چرا که دانشمندان نحو، بسیاری از قرائت‌ها را با قواعد مخالف دیده‌اند. در توجیه این دست از قرائت‌ها گفته‌اند که تطبیق با قواعد مشهور نحوی، ضروری نیست، بلکه اگر قرائت با برخی از لغت‌های قبیله‌های عربی، هماهنگی داشته باشد، کفایت می‌کند (دمشقی، النشر فی القرائات، بی تا: ۹ / ۱).

ابن جزری بعد از ذکر سه شرط مذکور می‌گوید: صحیح نزد پیشوایان تحقیق از سلف و خلف، همین ارکانی است که شمردیم. ابوعمر و دانی (۳۷۱ - ۴۴۴ ق) به آن تصریح کرده و ابو محمد مکی بن ابی طالب حموش بن محمد أندلسی قیسی (۴۳۷ ق) بارها بر آن تأکید کرده است. امامان دیگری چون ابو العباس أحمد بن عمار مهدوی تمیمی (۴۴۰ ق) و ابو شامه مقدسی (۵۹۹-۶۶۵ ق) نیز بر این مطلب صحه گذاشته‌اند و از احدی از دانشمندان گذشته، مخالفتی با این ارکان شناخته نشده است (همان).



### بررسی

این مطالب از چند لحاظ، نقدپذیر است:

- ۱- وجود سندهای موجود برای قرائات - همان طور که پیش از این گفته شد - قرآنی بودن و تواتر آن را ثابت نمی‌کند. در نهایت، چیزی که از اسناد به دست می‌آید، خبر واحد بودن آنهاست.
- ۲- قرآن کریم طبق فصیح‌ترین و برترین ادبیات و لغت عرب، فرو فرستاده شده است و هرگز لغت‌های شاذ، نامعروف و نافصیح عرب، نمی‌تواند معیار درستی قرائت باشد؛ به همین دلیل، این گونه سخن گفتن، پایین آوردن قدر و منزلت قرآن کریم است.
- ۳- برای برتری لغت عرب و اثبات فصیح‌ترین لغات و جملات، متن قرآن کریم معیار اصلی است و در حقیقت، متن قرآن کریم پایه قواعد عربی قرار گرفته است نه تطبیق و هماهنگی قرآن کریم با قواعد ادبی و عربی.
- ۴- این سخنان از کسانی صادر می‌شود که قرائت‌های هفت‌گانه را پذیرفته‌اند و به ناچار، باید به این سخنان دست یازند، ولی این گونه سخن در مورد قرآن کریم روا نیست و بر اساس دیدگاه برگزیده، قرآن کریم در عصر نزول، تنها با یک لغت - که لغت حجاز بوده است و شامل لهجه‌های مختلف از قبیل لهجه قریش و ... می‌شود - نازل شده است؛ بنابراین، قرآن کریم را نیز تنها با همین لغت می‌توان خواند.
- ۵- اگر قرار است قرائت مورد نظر با رسم الخط مصحف هماهنگی داشته باشد، باید تنها یک لغت را به عنوان لغت معیار برگزید؛ زیرا آن مصحفی که توسط جمهور مسلمانان به صورت سینه به سینه به دست ما رسیده است، تنها از یک نوع از قرائت است.

### ۳) معیار شهرت

برخی صاحب‌نظران بر این باورند که معیار تشخیص قرائت صحیح، قرائت مشهور است. در این باره، برخی گفته‌اند: «در مواردی که با قرائت‌های مختلف روبه‌رو هستیم، هر چند این قرائت‌ها از قراء سبعه باشد، نمی‌توان بر اساس آنها - مگر به عنوان مراد احتمالی - قرآن را تفسیر کرد؛ زیرا همه آنها قرآن واقعی نیستند. البته اگر برخی از آنها از قرائت‌های مشهور باشد و سایر قرائت‌ها، قرائت شاذ باشد، قرائت معتبر، همان قرائت مشهور است و تفسیر باید بر اساس آن صورت گیرد» (بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۵: ۷۱).

### بررسی

این معیار از چند جهت، مورد نقد و اشکال است:

۱- معیار شهرت نمی‌تواند ملاک درستی برای تشخیص قرائت صحیح از ناصحیح در زمانی که دو یا چند قرائت از شهرت یکسانی برخوردار باشند، باشد؛ بنابراین، باید به دنبال معیار دقیق‌تر دیگری بود.

۲- اگر یک قرائت در یک منطقه مشهور و در منطقه دیگر شاذ باشد، چه باید کرد؟ اگر گفته شود مردم هر منطقه‌ای به قرائت مشهور در نزد خودشان عمل می‌نمایند، لازمه این سخن، آن است که می‌توان قرآن را به قرائت‌های گوناگون خواند، در حالی که طبق نظر برگزیده، قرآن کریم تنها طبق یک قرائت نازل شده و تنها بر همین اساس خوانده می‌شود؛ بنابراین، قرائت درست و واقعی، تنها یک قرائت است. اگر گفته شود به لحاظ امکان عقلی، چنین چیزی ممتنع است، همگان به بطلان این مطلب اذعان دارند و امکان آن را محال نمی‌دانند و اگر هم گفته شود که به لحاظ وقوعی، چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد، باید گفت - طبق نقل‌های تاریخی - در مرحله عمل، چنین چیزی تحقق یافته است.

#### ۴) معیار قرائت جمهور مسلمانان

در نزد برخی از دانشمندان معاصر مانند آیت الله معرفت ضابطه پذیرش قرائت قرآن کریم موافقت و هماهنگی با قرائت جمهور مسلمانان، جدا از قرائت قاریان است؛ چرا که قرآن کریم در دو مسیر، طی طریق کرده است. نخست، طریقه مردمی که مسلمانان، سینه به سینه از پدران و مادران و اجداد و جدات خود، از شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تلقی و دریافت کرده‌اند و برای همیشه، دست به دست داده تا به امروز برای بشریت به ارمغان رسیده است. این قرائت مردمی، هماهنگ با ثبت (نوشته) تمامی مصحف‌های موجود در تمامی قرن‌هاست و نمایان‌گر آن، قرائت حفص است؛ زیرا حفص، همان قرائت جمهور را قرائت کرده است و امام علی علیه السلام نیز همان را قرائت نموده که توده بزرگ مردمی آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده است. این مسیر، مسیر تواتر است و قرآن کریم، به گونه تواتر به دست بشر کنونی رسیده است، ولی مسیر قراء و قرائات، مسیر اجتهاد است (به جز قرائت عاصم) که اجتهاد در نص قرآن کریم جایز نیست و فاقد حجیت شرعی است (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۲۱۸-۲۱۹).

اما برای تشخیص قرائت صحیح و متواتر که به وسیله جمهور مسلمانان نقل و ضبط شده است، سه شرط وجود دارد.

یک - توافق با ثبت مصحف‌های موجود که به دست توانای مردمی ثبت و ضبط شده است.

تمام قرآن‌های خطی و چاپی، به خصوص در گستره شرق اسلام، بدون هیچ گونه اختلافی ارائه شده و می‌شود.

دو - توافق با فصیح‌ترین و معروف‌ترین اصول و قواعد لغت عرب؛ زیرا قرآن کریم با فصیح‌ترین لغت عرب نازل شده است و هرگز جنبه‌های شذوذ لغوی در آن یافت نشده و نمی‌شود و نخواهد شد.

سه - توافق با اصول ثابت شریعت و احکام قطعی عقلی؛ زیرا قرآن کریم پیوسته پایه‌گذار شریعت و روشن‌گر اندیشه‌های صحیح عقلی است و نمی‌شود با آن مخالفت ورزد.

### بررسی

به نظر می‌رسد این معیار، از میان معیارهای مطرح در زمینه صحت، دقیق‌تر و از کارایی بهتری برخوردار است. این مطلب با ذکر چند نکته اثبات‌پذیر است.

۱- قرائتی که سینه به سینه و نسل به نسل توسط جمهور مسلمانان به دست بشر کنونی رسیده است، از هر نوع اجتهاد علمی به دور است و نظرات شخصی افراد در آن دخالت ننموده است؛ به همین جهت، تنها نقل صرف است و اطمینان به چنین طریقی در درجه بالایی قرار دارد.

۲- در میان قرائت‌های موجود در میان مسلمانان، همه قرائت‌ها از تواتر برخوردار نیست، بلکه تنها یک قرائت از شهرت بیش‌تری برخوردار است و میان مردم رایج است و آن قرائت عاصم به روایت حفص است. در این صورت، مشکل تراحم چند قرائت - به لحاظ میزان نقل - همچنان که در معیار شهرت وجود دارد، در این معیار وجود ندارد.

۳- از آنجایی که قرائت نقل شده توسط جمهور مسلمانان به صورت متواتر به ما رسیده است، این تواتر، موجب حصول یقین نسبت به قرائت مورد نظر شده و حجت برای انسان به شمار می‌رود.

۴- قرائتی که به وسیله جمهور مسلمانان به دست ما رسیده است، دارای کم‌ترین میزان از مخالفت با اصول ثابت دین اسلام و احکام قطعی عقلی است و همین نکته، موجب اعتماد بیشتر به این قرائت می‌شود و حجیت آن را ثابت می‌نماید.

۵- قرائت جمهور مسلمانان با فصیح‌ترین و معروف‌ترین اصول و قواعد لغت و ادبیات عرب، همخوانی و هماهنگی دارد و قرآن کریم نیز طبق لغت قریش که فصیح‌ترین و برترین لغت از لغات عرب بوده، نازل شده است. همین مطلب، هماهنگی این قرائت با قرائت عصر نزول را اثبات می‌نماید.

ع- قرائت جمهور مسلمانان به معصوم علیه السلام می‌رسد و این مطلب، حکایت از عدم اجتهاد در این قرائت و برخورداری از وثاقت بالا دارد.

۷- در جایی که قرائت قرآن کریم واجب است (مانند قرائت حمد و سوره در نماز واجب و قرائت قرآن کریم به جهت نذر یا عهد) اگر شک در براءت ذمه شخص مکلف به وسیله قرائت‌های دیگر شود، طبق قاعده اشتغال، ذمه وی بریء نمی‌شود و اشتغال یقینی که مستدعی براءت یقینی است تنها با قرائت جمهور مسلمانان که مورد اتفاق همه است، حاصل می‌شود.

### دلایل برتری قرائت عاصم به روایت حفص

از میان قرائت‌های قرآن کریم، قرائت عاصم به روایت حفص، برترین قرائات است. این مطلب با چند دلیل ثابت می‌شود.

دلیل اول - روایت حفص از عاصم، قرائت متعارف و متداول میان مسلمانان است و قرائت عامه مردم بر مبنای قرائت اوست. این روایت - همچنان که برخی مفسران و دانشمندان علوم قرآنی و فقها نیز تصریح کرده‌اند - در طی قرن‌های پی در پی تا به امروز، همواره میان مسلمانان رایج بوده است.

۱- سید عبدالحسین طیب رواج قرائت حفص از عاصم را همان شهرت مطلق و غلبه آن قرائت در هر عصر و طبقه می‌داند؛ بدین معنا که این قرائت در طول تاریخ، مقبول عموم مردم بوده و عموم مسلمانان آن را سینه به سینه نقل کرده و به نسل‌های بعدی انتقال داده‌اند (طیب، اطیب البیان، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۱).

۲- علامه محمد جواد بلاغی در قرن چهاردهم قمری، دیدگاه رواج تاریخ روایت حفص از عاصم را در سراسر بلاد اسلامی پایه‌گذاری کرده است (بلاغی، آلاء الرحمن، ۱۴۲۰: ۱/ ۲۹).

۳- آیت الله محمد هادی معرفت با پذیرش و ترویج این نظریه، این دیدگاه را به اوج شهرت رساند (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۲۴۶-۲۴۷).

۴- آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی این دیدگاه را پذیرفته و محور برای قرآن و قرائت واحد قرار داده‌اند (مکارم شیرازی، انوار الأصول، ۱۴۲۸: ۲/ ۳۴۹).

۵- آیت الله العظمی جعفر سبحانی بر این باور است که طبق حدیث «اقرأ كما يقرأ الناس» باید طبق قرائت متواتر خواند و آن قرائت عاصم به روایت حفص است (سبحانی، مصادر الفقه الإسلامي، ۱۴۱۹: ۳۷؛ رضوی اصیل، اعتبار سنجی قرائات قرآن، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

دلیل دوم: از میان قرائت‌های موجود، روایت حفص دارای سندی صحیح و قابل قبول و با پشتوانه جمهور مسلمانان است؛ زیرا حفص و استاد او، عاصم، به شدت، به آنچه با قرائت عامه مسلمانان و روایت صحیح و متواتر میان مسلمانان هماهنگ بود، پایبند بودند. ۱- این قرائت را عاصم بن بهدلة اسدی کوفی (۱۲۷ ق) از شیخ خود ابوعبدالرحمن محمد بن حسین سلمی نیشابوری و او از امام علی (علیه السلام) دریافت کرده است و امام علی (علیه السلام) به هیچ قرائتی جز آنچه با نص اصلی وحی که میان مسلمانان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) متواتر بوده، قرائت نمی‌کرده است. این قرائت را عاصم به شاگرد خود، حفص آموخته است؛ از این رو، در تمامی ادوار تاریخ، مورد اعتماد مسلمانان بوده و این اعتماد عمومی مردم، تنها از این جهت بوده است که با نص اصلی و قرائت متداول هماهنگی داشته است.

۲- عاصم در میان قاریان، معروف به ویژگی‌ها و خصلت‌هایی ممتاز بوده که شخصیتی جالب توجه به او داده است. وی ضابط و در دریافت قرآن کریم، بسیار با احتیاط بود؛ به همین دلیل، قرائت را از کسی غیر از ابوعبدالرحمن سلمی که از امام علی (علیه السلام) فرا گرفته بود، دریافت نمی‌کرد و آن را بر زر بن حبیش که قرائت را از ابن مسعود آموخته بود، عرضه می‌کرد.

۳- حفص که قرائت عاصم را در منطقه‌های گوناگون رواج داده است، به انضباط و استواری شایسته‌ای معروف بود و از این جهت، همه مسلمانان علاقه‌مند بودند تا قرائت عاصم را از حفص وی دریافت کنند. افزون بر آن، حفص عالم‌ترین اصحاب عاصم نسبت به قرائت او بود و در حفظ و ضبط قرائت عاصم بر شعبه بن عیاش، هم ردیف خود، پیشی گرفته بود (ابن جزری، غایة النهایه، ۱۹۳۲: ۱/۲۵۴).

دانی می‌گوید: حفص کسی است که قرائت عاصم را برای مردم تلاوت کرد و در ترویج آن کوشید. او در بغداد و مکه به آموزش قرائت عاصم همت گماشت (همان).

۴- اسناد حفص در نقل قرائت از عاصم، از امام علی (علیه السلام) اسنادی صحیح و مقبول است که در دیگر قرائت‌ها کم‌تر وجود دارد. مهم‌ترین این دلایل به قرار ذیل است:

الف) عاصم قرائت را به طور کامل، از شخصی غیر از شیخ و استاد خود یعنی ابوعبدالرحمن سلمی دریافت نکرده است و سلمی نیز شخصیتی بزرگ و موجه به شمار می‌آمد و اگر عاصم این قرائت را بر دیگری عرضه کرده، تنها برای حصول اطمینان بوده است. شعبه می‌گوید: عاصم به من گفت: احدی حرفی از قرآن را برای من قرائت نکرد، مگر ابوعبدالرحمن محمد بن حسین سلمی نیشابوری که او قرآن را از امام علی (علیه السلام) دریافت کرده

است. من زمانی که از نزد ابوعبدالرحمن باز می گشتم، آنچه فرا گرفته بودم، بر زر بن حبیش که قرائت را از عبدالله بن مسعود دریافت کرده بود، عرضه می کردم (ذهبی، معرفة القراء الکبار، بی تا: ۱ / ۷۵).

ب) هیچ گاه عاصم با استاد و شیخ خود مخالفت نورزیده است؛ چرا که یقین داشته آنچه از او فرا گرفته، به طور دقیق، همان است که او از امام علی علیه السلام فرا گرفته است. عاصم خود در این باره می گوید: من در قرائت، هیچ اختلافی با ابوعبدالرحمن نداشتم و در هیچ موردی با قرائت او مخالفت نورزیدم؛ زیرا به یقین می دانستم که ابوعبدالرحمن سلمی نیز در هیچ موردی با قرائت علی علیه السلام مخالفت نورزیده است (واقدی، الطبقات الکبری، بی تا: ۱ / ۳۴۸).

ج) عاصم به صورت اختصاصی، اسناد طلایی و عالی قرائت خود را به ربیب خود، حفص که فرزند همسر وی بود و در دامن او پرورش یافت منتقل کرد. این فضیلت بزرگی است که تنها حفص در میان دیگر قاریان بدان ممتاز است. این همان شایستگی ویژه است که برای حفص فراهم آمد تا مسلمانان به او روی آورند و تنها قرائت او را بپذیرند.

ابوعمر و أسدی می گوید: عاصم به من گفت: قرائتی را که به تو آموختم، همان قرائتی است که از ابوعبدالرحمن محمد بن حسین سلمی نیشابوری دریافت کرده ام و او به صورت عینی، از علی علیه السلام فرا گرفته است و قرائتی را که به ابوبکر بن عیاش آموختم، قرائتی است که بر زر بن حبیش عرضه کرده ام و او از عبدالله بن مسعود دریافت کرده است (ابن جزری، غایة النهایه، ۱۹۳۲: ۱ / ۳۴۸).

دلیل سوم: در حدیث «قرأ كما يقرأ الناس» (صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۹۳؛ کلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۳۳ ح ۲۳)، منظور از قرائت ناس، همان قرائت رایج و مورد پذیرش عموم مردم است. از این حدیث، فهمیده می شود که در آن زمان، یک قرائت رایج وجود داشته است (بلاغی، آلاء الرحمن، ۱۴۲۰: ۱ / ۳۰) و طبق ادله، قرائن و شواهد، آن قرائت رایج، همان قرائت عاصم به روایت حفص است؛ بنابراین، طبق این حدیث، باید از همین قرائت پیروی کرد.

دلیل چهارم: سفارش های بسیار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به قرائت قرآن کریم و اهتمام مسلمانان به آن، مستلزم آن است که قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد مشهور مسلمانان باقی باشد و از آنجا که قرائت مشهور امروزی، قرائت عاصم به روایت حفص است، پس این قرائت، همان قرائت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان صدر اسلام است که نسل به نسل و سینه به سینه توسط مسلمانان نقل شده است (ر.ک: بابایی و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۵: ۷۵).

دلیل پنجم: سیاهه متن قرآن در سده‌های اخیر به قرائت حفص از عاصم و به رنگ مشکی بوده و سایر قرائات از جمله روایت شعبه با رنگ قرمز مشخص می‌شده است؛ به همین جهت گفته شده که سیاهی قرآن مطابق قرائت حفص است و این خود دلیلی بر ترجیح قرائت حفص بر دیگر قرائات می‌باشد.

### نتیجه

با بررسی همه قرائت‌ها این نتیجه به دست می‌آید که تنها برخی از آنها دارای حجیت هستند و به برخی از آنها می‌شود اعتماد کرد. ملاک و معیار درست برای تشخیص قرائت صحیح از ناصحیح، مطابقت قرائت با قرائت جمهور مسلمانان است. این قرائت، سینه به سینه و پشت به پشت از صدر اسلام به بشر کنونی رسیده و دارای تواتر بوده و از حجیت و اعتبار لازم برخوردار است. ثمره عملی این بحث، در قرائت سوره حمد و سوره‌های دیگر در نمازهای واجب و همچنین برای کسی که نذر قرائت قرآن کریم کرده است، روشن می‌شود. از میان قرائت‌های موجود، قرائت حفص از عاصم در میان مسلمانان متداول و رایج بوده و مبنای قرائت مسلمانان بر همین قرائت بوده است. همچنین این قرائت به معصوم (علیه السلام) منتهی می‌شود؛ به همین جهت، این قرائت، معتبر و حجت است. در صورت شک در اجزاء قرائت‌های دیگر - طبق قاعده اشتغال - تنها این قرائت مجزی است و ذمه شخص مکلف را بریء می‌نماید؛ لذا رویکرد و روش درست، اکتفا به این قرائت در نماز و قرائت واجب است.

## منابع

۱. ابن ندیم، محمد، الفهرست، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ ق.
۲. اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیله النجاة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۸۰ ش.
۳. بابایی، علی اکبر، عزیز کی، غلام علی؛ روحانی راد، مجتبی، رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۴. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۵. تمیمی بغدادی، احمد بن موسی (ابن مجاهد)، السبعة فی القراءات، تحقیق شوقی ضیف، قاهره: دار المعارف، ۱۹۷۲ م.
۶. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ویرایش دوم، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸ ش.
۷. جوهری، اسماعیل، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۸. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۷ ش.
۹. حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيله، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. خوئی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: المطبعة العلمیه، ۱۳۹۴ ق.
۱۲. خوئی، سید ابو القاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هاشم زاده هریسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ سی و سوم، ۱۴۲۹ ق.
۱۴. دمشقی، محمد (ابن جزری)، النشر فی القراءات العشر، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۱۵. دمشقی، محمد (ابن جزری)، غایة النهایة فی طبقات القراء قاهره: مکتبة الخانجی، ۱۹۳۳ م.



۱۶. ذهبی، محمد، معرفة القراء الکبار، مصر: دارالتألیف، بی تا.
۱۷. رازی، احمد بن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ترتیب و تنقیح علی عسکری و حیدر مسجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. رضوی اصیل، سید مجتبی، اعتبارسنجی قرائات قرآن از نظر اهم قرآن پژوهان و فقهاء فریقین، قم: مدرسه عالی قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه السلام.
۱۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، بیروت: مصطفی البابی الحلبي، بی تا.
۲۰. زرکشی، محمد، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. سبحانی، جعفر، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرايه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. سبحانی، جعفر، مصادر الفقه الإسلامی و منابع، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۹ ق.
۲۳. سیوطی، عبد الرحمن، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
۲۴. صدوق، محمد، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ق.
۲۵. صفار، محمد، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلامی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
۲۷. طباطبایی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۵ ق.
۲۸. طیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. عیاشی، محمد، تفسیر العیاشی، قم: المكتبة العلمية الاسلامیه، بی تا.
۳۰. فراهیدی، خلیل، ترتیب کتاب العین، قم: انتشارات أسوه، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. فضلی، عبد الهادی، تاریخ قرائات قرآن کریم، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران: أسوه، ۱۳۷۸ ش.
۳۲. فیومی، احمد، المصباح المنیر، قم: دار الهجره، ۱۴۰۵ ق.
۳۳. قمی، ابوالقاسم، قوانین الأصول، قم: بی نا، بی تا.
۳۴. کاشف الغطاء، محمد حسین، أصل الشیعه و أصولها، قاهره: المطبعة المصریه، ۱۳۷۷ ق.
۳۵. کلینی، محمد، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۳۶. محاربی، عبد الحق (ابن عطیه) عاصمی، احمد، مقدمتان فی علوم القرآن، قاهره: مكتبة الخانجی، ۱۳۹۲ ق.

۳۷. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۳۸. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۷۸ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الأصول، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
۴۰. نجاشی، احمد، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴۱. واقدی، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، بی تا.